



در سالگرد درگذشت پدرم

پنجم امرداد ماه ۱۳۸۹

سی سال پیش پدرم با چشمی گریان و دلی افسرده خاک وطنش را ترک گفت، در این آرزو که با رفتنش آرامش و صلح از دست رفته به ایران عزیزش بازگردد، خون هموطنانش در آشوب انقلاب بر زمین نریزد و بیگانگان با گسترش دامنه ستیز خانگی سودای تعرض به ایران در سر نپرورانند.

اما، نه تنها آرزوی او بلکه آرزوی هیچ یک از ایرانیانی که به امید دسترسی به آزادی ها و حقوق بیشتر به پیشباز انقلاب رفتند برآورده نشد. کسانی بر وطن دلبندهش مسلط شدند که در این سال ها با ایران و فرزندان آن کردند که هیچ دشمن بی رحمی در تاریخ نکرده بود. اینان از خونریزی و خرابی های بی شمار، از ستیز با همه حقوق و آزادی های مردم ایران، از ماجراجویی و جنگ طلبی، از هدر دادن سرمایه های انسانی و مادی وطن و از تحقیر نام بلند ایران در جهان، یک لحظه هم دست نکشیده اند و من یقین دارم که نخواهند کشید.

می گویند، و درست می گویند، که تاریخ داور نهایی نیک و بد کارنامه کسانی است که در زندگی مردمان و در سرنوشت جامعه خویش نقشی عمده داشته اند. اما، این داوری در یک آن و یک باره رخ نمی دهد و شمار داوران کارنامه ها محدود به محققان و نویسندگان نیست. اعضای هر جامعه ای پیوسته در کار این داوری اند.

داوری ایرانیان درباره کارنامه پدرم نیز همچنان ادامه دارد و خواهد داشت.

تردید ندارم که این داوری همیشه منصفانه خواهد بود، روان پدرم را شاد و فرزندان را سربلندتر از همیشه خواهد کرد.

از همه هم میهنان عزیزی که در سالگرد درگذشت او خود را در اندوه من و خویشانم شریک دانسته اند صمیمانه سپاسگزارم.

رضا پهلوی